

جعلیات و حقایق- ۴

علیرغم شکست موضعی سوسیالیسم

## دوران ما، دوران گذار

### به سوسیالیسم است

ایگور لیگاف. ترجمه م. شیزلی

امپریالیستها با تحمیل دو جنگ جهانی به بشریت در قرن بیستم، باعث کشتار ۷۰ میلیون انسان، زخمی و علیل شدن تعدادی به مراتب بیشتر از آن شدند.

#### تبه کاری های آلمان هیتلری

سرمایه داری امپریالیستی آلمان، انگلیس، فرانسه و آمریکا با هدف در هم شکستن اتحاد شوروی و به اسارت در آوردن دیگر خلقها، هیتلر را پرورش دادند. در سالهای جنگ جهانی دوم، ۱۸ میلیون انسان سراز اردوگاههای فاشیسم درآوردند. ۱۱ میلیون نفر از آنها سوزانده شدند. اتحاد شوروی و احزاب کمونیست نقش تعیین کننده ای در انهدام فاشیسم آلمان و نجات خلق های اروپا از قید و بند اسارت ایفا کردند. شاهکاری بود شایسته تحسین ابدی! در تاریخ معاصر، امپریالیسم سعی می کند دموکراسی آمریکائی را با توسل به نیروی نظامی توسعه دهند. در ویتنام چنین کردند. پس از فرار آمریکائیان از ویتنام من به چشم خود دیدم که آنها چه ویرانی از خود به جای گذاشتند، چه بلایا و مصایبی را به مردم ویتنام تحمیل کردند. اینک، آنها عراق را اشغال کرده اند، کوبا، ایران، کره شمالی و ... را تهدید می کنند.

امروز، بورژوازی روسیه سیاست انهدام مردم کشور خویش را در پیش گرفته است. در مدت ۱۲ سال پس از تخریب اتحاد شوروی، در نتیجه تشکیل جامعه سرمایه داری بورژوائی، سالانه ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور کاهش یافته است. صدها هزار نفر در جریان درگیری های ناشی از تکه- تکه کردن اتحاد شوروی، (از آن جمله در چین) کشته شده اند. حیرت آور است!

بعد از این همه، دموکرات های هرزه برای قربانیان سالهای ۳۰ اشک تمساح می ریزند. آنها براین موضوع توافق کرده اند که در سالهای ۳۰، در اتحاد شوروی ۸۰ - ۱۰۰ میلیون نفر از بین رفته است. پرسیدنی است: در حالی که جمعیت کشور در سال ۱۹۴۰ مجموعاً ۱۹۴ میلیون نفر، در سال ۱۹۳۰، ۱۵۰ میلیون نفر و آهنگ رشد جمعیت ( بالاترین حد رشد جمعیت) ۳ درصد بود، نابودی این تعداد انسان، چگونه ممکن است؟ دروغ حد و مرز نمی شناسد. گذشته از این، پیش از دموکرات های دروغین، این خود حزب کمونیست بود که موارد تخلف از قوانین سوسیالیستی را باز کرد و از میان برداشت.

\*\*\*\*\*

حزب کمونیست اتحاد شوروی و اتحاد احزاب کمونیست پیگیرانه و با تمام نیرو در جهت دفع تحریکات ضد کمونیستی تازه کار می کنند.

طبیعتاً این سؤال پیش می آید که، چرا بورژوازی و دنباله روان آنها برای باز کردن افسانه ساختگی «ترور جمعی در رژیم های کمونیستی»، این چنین مجدانه تلاش می کنند ولی، درباره وحشیگری های غیر قابل تصور سرمایه داری، کلمه ای بر زبان نمی آورند؟

امپریالیستها، تبلیغات زهرآگین ضد کمونیستی خود را برای انحراف اذهان عمومی از ماهیت تروریستی سرمایه داری و بخاطر ادامه موجودیت آن که ناگزیر، با وجود تمام موانع و

زیگزاگ زدن‌ها، جای خود را به سوسیالیسم خواهد داد، تشدید بخشیده اند. می‌خواهم این موضوع را مورد تاکید قرار دهم که، صرفنظر از شکست موضعی سوسیالیسم در روسیه، دوران ما، دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است.

بورژوازی روسیه و بوروکراسی دولتی و حزب روسیه واحد، سیمای اتحاد شوروی را لجن مال می‌کنند تا، تاراج اموال عمومی و فقر میلیون‌ها انسان - بزرگترین جنایت قرن را پرده پوشی نمایند. تاکنون، در تاریخ روسیه شیادان و کلاه بردارانی به این قدرت و به این تعداد، که با چپاول دارائی‌های مردم ثروت‌های افسانه‌ای به چنگ آورده‌اند، وجود نداشته است. اینک، روسیه دارای یک صد میلیاردی است که، مجموعاً، ۲۵۰ میلیارد دلار در اختیار دارند. در چنین وضعیتی، رئیس‌جمهور معتقد است که همه چیز باید آنچنان که هست، باقی بماند. حیرت آور است!

و دو- سه پیشنهاد.

گرامی داشت روزهای تاریخی: کمون پاریس، ۹ ژانویه، آغاز جنگ‌های جهانی اول و دوم، آزادسازی دهات، شهرها و استانها از اشغال گارد سفید، مداخله گران و فاشیسم آلمان، پشتیبانی از ابتکار توده‌ای اعاده نام خیابان‌ها، شهرها و مجسمه‌های **و. ای. لنین و ی. و. استالین**، مبارزان راه حاکمیت شوراها.

تنظیم برنامه‌ای واحد برای جلوگیری از کاهش جمعیت در همه روسیه و ارائه آن به همه جامعه. بررسی و تعیین روز مبارزه علیه قتل عام مردم روسیه، کارزار برای نگه‌داری و افزایش آن.

افشاء و توضیح جنایات سرمایه‌داری، بالا بردن سطح آگاهی مردم، متحد کردن و سازماندهی آنها برای مبارزه در راه رشد سوسیالیستی، بر علیه رژیم‌های بورژوائی که میلیون‌ها قربانی گرفته‌اند، دین مقدس کمونیست‌های میهن پرست می‌باشد.

### در باره آمادگی اتحاد شوروی برای دفع تهاجم نظامی خارجی. اکادیب و حقایق.

همه کینه‌ورزان به اتحاد شوروی، ضد کمونیست‌های سرسخت و دموکرات‌نماهای لجن پراکن، اراجیفی را سرهم بندی می‌کنند که گویا، رهبری اتحاد شوروی، کشور را برای شرایط جنگی و دفع تهاجم فاشیسم اشغالگر آلمان آماده نکرده بود. این هم یکی از آن خیال پردازیهاست.

آغاز یک طرفه جنگ جهانی امپریالیستی تازه برای تقسیم جهان، بحرانهای عمیق اقتصادی در کشورهای پیشرو سرمایه‌داری از یک طرف و از دیگر سوی، آغاز ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی، رشد عظیم اقتصادی و افزایش قدرت دفاعی کشور، بهبود شرایط زندگی خلق‌های شوروی، تاثیر پرتوان شوروی در مبارزه جهانی برای جلوگیری بروز جنگ تازه، مشخصه بارز اوضاع جهانی سالهای دهه سی قرن گذشته می‌باشد. آتش جنگ اراضی چین، اروپای غربی و بخشی از آفریقا با جمعیتی بیش از ۷۵۰ میلیون نفر را در بر گرفت. با وارد شدن اتحاد شوروی به جنگ در سال ۱۹۴۱، برای دفع حمله غیر منتظره آلمان هیتلری، جنگ جهانی دوم به جنگ علیه فاشیسم و جنگ آزادیبخش تبدیل شد.

پیروزی اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی بر علیه فاشیسم آلمان و متفقین آن، یکی از فاکتورهای اثبات درستی ساختار اجتماعی و دولتی شوروی، تحکیم پایه‌های وحدت جامعه، دوستی ملت‌ها، میهن پرستی سوسیالیستی و نقش رهبری حزب کمونیست بود. پیروزی ما، در نتیجه کاربست ایده‌های و. ای. لنین و حزب، سازماندهی عمومی خلق‌های شوروی برای شرایط جنگی، یعنی تعمیق و تحکیم اقتصادی، سیاسی-سازمانی، اجتماعی و ایدئولوژیکی

نیروهای مسلح حاصل شد. نگارنده، انطباق کامل این مسائل با اصول تاریخی را، با توجه به شرایط آن دوره، مورد بررسی قرار داده است.

## آماده سازی

### اقتصادی و مالی کشور

#### برای شرایط تجاوز نظامی.

ی. و. استالین، طی سخنرانی خود بعد از پایان پیروزمندانه جنگ کبیر میهنی در حضور انتخاب کنندگان این موضوع را مورد تاکید قرار داد: «حزب می دانست، که ماشین جنگی به حرکت درخواهد آمد و کشور، بدون صنایع سنگین توان دفاع از خویش را نخواهد داشت، این، امری تاخیر ناپذیری است- یعنی، باید پیروز شد... بدون آن، تاریخ شوروی می میرد».

صنعتی کردن و تشکیل تعاونیها، ایجاد صنایع سنگین و هسته مرکزی آن - ماشین سازی و تعاونیهای عظیم تولید محصولات روستائی موجب تحکیم بنیان های اقتصادی قدرت دفاعی گردید و پایه های مادی جنگی کشور را قوام بخشید. این موفقیت ها بدون اتکا به سرمایه خارجی بدست آمد. رهبران روسیه بورژوائی کنونی، در فکر جلوگیری از سقوط آن، بدون جلب سرمایه و نیروی کار خارجی، نیستند.

بلشویکها، شوروی را از تزاریسیم تحویل گرفتند، که در نتیجه چهار سال جنگ جهانی اول و سه سال جنگ داخلی تحمیلی توسط ملاکان، سرمایه داران، ژنرالهای گارد سفید و مداخله گران خارجی، به مملکتی نیمه فقیر و نیمه ویرانه ای تبدیل شده بود.

در سالهای دهه ۳۰، ساختار اجتماعی- اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد شوروی پیروز گردید. تغییرات بنیادی در کشور، نشانه های عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی را پاک کرد.

نوشته های مطبوعات بورژوائی خارجی آن دوره در باره اتحاد شوروی بسیار جالب توجه است. مجله انگلیسی «راوند تیبل» می نویسد: «دستاوردهای برنامه پنج ساله، تأسیس کارخانه های تراکتور سازی درخارکف و استالینگراد، کارخانه های اتومبیل سازی در مسکو و نژنئی نوگوراد، نیروگاه آبی دنیپروپتروسک، کارخانه های عظیم تولید فولاد در ماگنیتاگورسک و کوزنتسک، زنجیره کامل کارخانه های ماشین سازی و شیمیائی در اورال... شگفت انگیز است». هییسون، سرمایه دار انگلیسی و رئیس بانک، پس از دیدار خود از اتحاد شوروی می نویسد: «احتمال می رفت که، برنامه پنج ساله شکست خواهد خورد. اما، موفقیت این برنامه بیش از حد پیش بینی شده می باشد. بر پایه برنامه مورد نظر، در تمام شهرهایی که من سفر کردم، مناطق مسکونی تازه، دارای میادین و خیابانهای عریض درخت کاری شده، آپارتمانهای مدرن، مدارس، بیمارستانها، باشگاههای کارگری، مهد کودکها و کودکانها برای مراقبت از اطفال مادران شاغل، ساخته شده است... آقایان، اشتباه نکنید! بی جهت امیدوار نباشید! اتحاد شوروی فروخواهد پاشید! اکنون روسیه، کشور ایده آلهای و امیدهاست».

«روسیه» ماشین متفکر» می سازد. روسیه با سرعت از عهد چوب به عهد فولاد، بتون و موتورها می رود». (مجله آمریکائی «نئیشن»).

در عرض ۱۳ سال، (سالهای ۱۹۲۸-۱۹۴۰)، ۹ هزار مؤسسه تولیدی راه اندازی شد، بخش اعظم آنها در اورال و سیبری واقع بود، که در سالهای جنگ در پشت جبهه قرار گرفت، مناطق شرقی کشور، با سرعت به منطقه صنعتی قدرتمندی تبدیل گردید، ۱۵۰۰ مؤسسه منتقل شده از جمله آنها بود. در آن دوره، بخشهای تازه ای در صنعت ایجاد شد. از میان آنها ساخت دستگاههای صنعتی، الکترو تکنیکی، اتومبیل، تراکتور و کمباین سازی و صنایع شیمیائی را می توان نام برد. مراکز ذوب آهن کشور در شرق (مجتمع اورال- کوزنتسک)، صنایع پر قدرت جدید نفت در منطقه اورال- ولگا تأسیس و مورد بهره برداری قرار گرفت.

پس از تجزیه اتحاد شوروی بسیاری از بخشهای تولیدات صنعتی، از جمله، آلت و ابزارسازی، ساخت دستگاه های تولیدی، ماشین های کشاورزی و بخش مهمی از مجتمع صنایع نظامی از بین رفته است.

در دوره حاکمیت شوروی، اساساً در سالهای ۳۰، حجم تولیدات اتحاد شوروی به نسبت سال ۱۹۱۳، ۹ برابر افزایش یافت. حجم تولیدات کشور به جایگاه اول در اروپا و دوم در جهان ارتقاء یافت و آهنگ تولید و بازدهی تولیدی کار، مقام اول را در جهان احراز نمود. هم اکنون، میزان تولید محصولات نا خالص ملی روسیه (نمودار نشاندهنده میزان رشد اقتصادی)، ۱۰ برابر کمتر از محصولات نا خالص ملی آمریکا (با در نظر گرفتن قدرت خرید) می باشد. از نظر میزان متوسط سرانه محصولات نا خالص ملی، کشور ما، در جای چهارم و آمریکا، در جای دوم قرار دارد. پس، در چنین وضعیتی، روسیه امروزی، چگونه به کسب عنوان «دولت مقتدر بزرگ» نایل شد؟

**تولید فولاد، زغال سنگ، نفت، گندم و پنبه**  
(به میلیون تن)

سال	فولاد	زغال سنگ	نفت	گندم	پنبه
۱۹۱۳	۴۳	۲۹	۹	۲۱۶	۰/۷
۱۹۴۰	۱۸۳	۱۶۶	۳۱	۳۸	۲/۷

بدین ترتیب، تولید فولاد، زغال سنگ، نفت، ۳/۵- ۵/۵ برابر و گندم و پنبه، ۴ برابر افزایش یافت.

ماشین سازی در مجموع سریع تر از سایر بخشهای صنایع رشد یافت. اگر میزان رشد صنایع در طول سه سال (سالهای ۱۹۳۸-۱۹۴۰)، مجموعاً ۴۴ درصد بود، اما، رشد صنایع ماشین سازی به ۷۶ درصد رسید که، برای رشد اقتصادی کشور و تحکیم قدرت دفاعی آن، بسیار مهم بود.

در سال ۱۹۹۱، در زمان حاکمیت شوروی ۲۶ هزار دستگاه مجهز به سیستم کنترل الکترونیکی ساخته شد، در صورتی که در حال حاضر تولید این نوع دستگاهها، به زحمت به چند صد واحد می رسد. بدون تولید دستگاه و ابزار آلات، بدون صنایع الکترونیکی و ماشین سازی داخلی، روسیه دولت قدرتمندی نیست و نمی تواند هم باشد. این، فقط زائده مواد خام اقتصاد جهانی است، نه چیزی بیشتر. (توضیح مترجم: بعد از تجزیه اتحاد شوروی، بخشی از دستگاههای فوق الذکر که در کارخانه های تولیدی جمهوریهای آسیای میانه و ماورای قفقاز نصب شده بود، به همراه دیگر دستگاههای کارخانجات، به نام آهن قراضه به خارج از کشور فروخته شد. در نتیجه تمامی کارخانه ها و مؤسسات تولیدی بزرگ و کوچک، منهای آن تعداد از تولیدیهای وابسته به نفت در جمهوریهای نفت خیز، بطور کلی تعطیل گردید و از بین برده شد).

در ارتباط با افزایش خطر حمله نظامی از خارج به اتحاد شوروی، میهن ما، بخش عظیمی از منابع مادی و اقتصادی خود را صرف بالا بردن بنیه دفاعی خود ساخت. اگر، بودجه دفاعی کشور در سال ۱۹۲۹ شامل ۱۰ درصد کل هزینه ها می شد، در سال ۱۹۴۰، یک سال قبل از جنگ، به ۳۳ درصد افزایش یافت. صنایع نظامی کشور، با سرعتی بیش از سه برابر آهنگ رشد سایر بخشهای صنعتی رشد کرد.

همان موقع در اتحاد شوروی همراه با توسعه مؤسسات علمی - تحقیقاتی و طراحی موجود، مجموعه کامل مؤسسات علمی برای مطالعه و بررسی تکنولوژی جدید نظامی تأسیس

گردید. مراکز آموزش عالی برای تربیت مهندسين تکنولوژی و طراحی در بخشهای مختلف صنايع دفاعی تشکیل شد. من خود، در یکی از این مراکز آموزشی عالی، در دانشکده هوانوردی اورژونیکدزه مسکو، در رشته مهندسی هواپیما، تحصیلاتم را به پایان رساندم. در سال های جنگ، در یکی از بزرگترین کارخانه های هواپیماسازی در نواسیبیرسک کار کردم. در آنجا به دریافت اولین مدال شوروی مفتخر شدم.

تنها در زمینه انواع تولیدات صنعتی بسیار مهم نبود که اتحاد شوروی بر کشورهای سرمایه داری اروپا پیشی گرفت. حزب، در کنگره ۱۸ حزب کمونیست سراسری اتحاد شوروی (بلشویک)، در سال ۱۹۳۹، مسائل بسیار ضروری و با شکوهی را مورد تاکید قرارداد. پیشی گرفتن بر اقتصاد کشورهای سرمایه داری، به عبارت دیگر، بالابردن حجم تولید انواع مهم محصولات صنعتی به نسبت جمعیت، یکی از مسائل مورد نظر بود. بی شک، در پروسه دستیابی به این امر تاریخی، امکانات جدیدی برای ارتقاء سطح رفاه زندگی مردم و توان دفاعی کشور پدیدار شد.

### اعمال تدابیر سیاسی و تشکیلاتی

#### بمنظور آماده سازی کشور

#### برای دفع حمله نظامی از خارج.

در دهه ۳۰، حزب کمونیست به رهبری ی. و. استالین در کنگره های ۱۷ و ۱۸ حزبی و همچنین، در هیجدهمین کنفرانس عمومی حزبی حزب کمونیست سراسری اتحاد شوروی (بلشویک)، با در نظر گرفتن شروع جنگ و بودن در محاصره خصمانه سرمایه داری و با توجه به روی کار آمدن فاشیسم در آلمان، سمت اصلی سیاست خارجی و داخلی کشور را تعیین کرد، برنامه پنج ساله رشد اقتصاد مردمی و پیامدهای اجرائی آن را مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

تدابیر شدید، اما ضروری برای تحکیم نظم و انضباط کاری و دولتی اتخاذ شد. شورای عالی فرمان «هشت ساعت کار در روز و هفت روز در هفته را صادر نمود و خروج بدون اجازه کارگران و کارکنان از محل های کار را ممنوع اعلام کرد»، همچنین، فرمانی را تصویب کرد که بموجب آن، تولید کننده مسئول محصولات بی کیفیت و ناقص شناخته می شد.

از سری تدابیر مهم، تصمیم مبنی بر تقویت اقتصادی و بنیه دفاعی کشور از طریق تأسیس سیستم آموزشگاهها و مدارس حرفه ای برای تربیت سالانه بین ۸۰۰ هزار تا یک میلیون نفر نیروی احتیاطی دولتی کارگری متخصص از میان کادر های کارگری جوان با سواد، درالویت قرار گرفت. مشکل بتوان از اهمیت این تصمیم سرنوشت ساز برای تکامل طبقه کارگر، ساختمان سوسیالیسم و دفاع از حاکمیت اتحاد شوروی کاست.

یکی دیگر از تصمیمات، بکارگیری اقدامات ضروری برای بهسازی رهبری حزبی در صنایع و حمل و نقل در همه جا و تحکیم شروع همزمان در مؤسسات بود. به کارگران حق نظارت بر کار مدیریت داده شد و در ارگان های حزبی، پست دبیر مسئول صنایع و حمل و نقل تشکیل گردید. تشدید انتقادات، نظارت بر اجرای تصمیمات حزبی و تقاضا از رهبری افزایش یافت. فقط آشنائی با اسناد و مدارک کنگره ها و کنفرانس های حزبی، کافی است تا، مطمئن شد که حزب، هیچ میانه ای با خودستائی و لاف زنی نداشت.

از میان برداشتن کمبود در زمینه تجهیز فنی مؤسسات، زمانی که شعار «صنعت، مشکلات را حل می کند» مطرح بود، حزب شعار «کادرها، مشکلات را حل می کنند» را پیش کشید، توجه ویژه ای به جلب مبتکران متخصص، جوان به پستهای رهبری، نه تنها از میان اعضای حزب، حتی افراد غیر حزبی معطوف گردید.

در سال ۱۹۳۶، پس از ۵ ماه بحث و بررسی پیش نویس قانون اساسی، کنگره شوراها، قانون اساسی جدید را تصویب کرد که از اهمیت خاصی برخوردار بود. چرا که، نشاندهنده دستیابی و نیل به هدفی بسیار مهم، غیر از آنچه که در برنامه انعکاس یافته است، می باشد. براساس موازین قانونی، مالکیت سوسیالیستی بر ابزار تولید، لغو استعمار و طبقات استعمارگر، حق کار برای همه، تحصیل و طب رایگان، حق انتخابات عمومی برابر، مستقیم با رای مخفی و غیره به رسمیت شناخته شد. نصف تا یک سوم کارگران و دهقانان، عضو شورای عالی اتحاد شوروی و شوراهای کارگری و دهقانی بودند. در حالیکه، امروز، در روز روشن، چراغ بدست، یک نفر کارگر و یا دهقان در ارگانهای دولتی کنونی نمی توان یافت. و این افسانه «دموکراسی»، چیزی جز همان دموکراسی عادی و ضد مردمی بورژوازی نیست. کاملاً واضح است که، مردم هر کشور، هر قدر از حقوق واقعی شهروندی برخوردار باشند و بسته به اینکه، در چه سطحی زندگی می کنند، به همان میزان هم از میهن خویش دفاع می کنند.

راه توده ۱۴۰ ۱۶,۰۷,۲۰۰۷